

اعلامیه مطبوعاتی

«توافق صلح» یک فریب است! حکام پاکستان در مسیر پایان دادن به برنامه هسته‌ای ایران، تأمین ضمانت‌های امنیتی برای «رژیم یهود» و تحکیم سلطه آمریکا بر خاورمیانه گام برمی‌دارند!

(ترجمه)

در ۱۷ اپریل، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا گفت: «مشیر میدانی عالی بود. نخست‌وزیر پاکستان نیز بسیار عالی بود. بنابراین ممکن است به اسلام‌آباد سفر کنم».

پیش از آن، سخنگوی قصر سفید کارولین لیویت گفته بود: «می‌خواهم فقط به نکته مهمی نسبت به رئیس‌جمهور ترامپ اشاره کنم. پاکستانی‌ها در تمام این روند، میانجی‌های شگفت‌انگیزی بوده‌اند... بنابراین آنان تنها میانجی این مذاکرات‌اند».

اما پرسش این است: چرا ترامپ—که به‌طور کامل از «رژیم یهود» در بمباران‌ها و کشتارهای هولناک غزه طی دو سال حمایت کرده، مکاتب دخترانه در ایران را هدف قرار داده، دست‌اندر کار خون مسلمانان آلوده است و حتی به نابودی تمدن ایران تهدید کرده—چرا از نخست‌وزیر و مشیر میدانی پاکستان تمجید می‌کند؟

پاسخ روشن است. نخست‌وزیر و مشیر میدانی پاکستان، امت خود را به نام «توافق صلح» فریب می‌دهند. این حاکمان برای صلح حرکت نکرده‌اند. آنان برای حفاظت از منافع آمریکا در منطقه کار می‌کنند. بر مسلمانان دروغ می‌گویند و شعار صلح را تکرار می‌کنند تا توطئه‌های خود علیه امت اسلامی را پنهان سازند. حقیقت عملکرد آنان از همین تمجیدهایی که از سوی ترامپ و قصر سفید دریافت می‌کنند، آشکار می‌گردد.

حکام پاکستان شب و روز تلاش می‌کنند تا آمریکا—که در میدان نبرد شکست خورده—را زیر نام «مصالحه» به میز مذاکرات بازگردانند. در همین چارچوب، آمریکا می‌کوشد از طریق فشاری که رهبری پاکستان اعمال می‌کند، ایران را وادار سازد تا برنامه هسته‌ای خود را پایان دهد. در حالی که برنامه هسته‌ای ایران و توانایی آن در تولید سلاح هسته‌ای، نیرومندترین ضمانت برای جلوگیری از حملات آمریکا و «رژیم یهود» علیه ایران به شمار می‌رود. پس آیا این تلاش برای تحقق صلح است یا برای تضعیف ایران و تحکیم سلطه آمریکا؟

در جریان جنگ آمریکا علیه ایران، ایران پایگاه‌های نظامی آمریکا در خاورمیانه را هدف قرار داد. بنابراین، آیا «توافق صلح» در حقیقت برای تضمین امنیت همین پایگاه‌ها طراحی نشده است؟ آیا هدف، جلوگیری از حملات ایران، یمن و سایر نیروهای مقاومت نیست؟

واقعیت این است که حکام پاکستان بر سر صلح مذاکره نمی‌کنند، بلکه بر سر تأمین امنیت پایگاه‌های نظامی آمریکا گفت‌وگو دارند و امت خود را فریب می‌دهند.

در چارچوب این توافق، که حکام پاکستان برای تحقق آن تلاش می‌کنند، آمریکا از ایران و کشورهای خاورمیانه می‌خواهد تا برای «رژیم یهود» ضمانت‌های امنیتی ارائه کنند. به همین منظور، شرط خلع سلاح نیروهای وابسته به ایران در لبنان و مقاومت در غزه مطرح شده است. همچنین از حکام مسلمانان خواسته شده است که اجرای این شروط را تضمین کنند. آیا «رژیم یهود» جنایت‌کار باید در برابر جنایاتش در غزه، سوریه، لبنان و ایران، با «توافق صلح» پاداش داده شود، در حالی که اسلام بر لشکرهای مسلمانان فرض می‌سازد که برای ریشه‌کن ساختن آن بسیج شوند؟

پس از بسته شدن تنگه هرمز، نیروی واقعی امت برایش واضح و هویدا گشت. همچنین معلوم شد که اقتصاد اروپا و آسیا، بلکه اقتصاد جهان، به منابع نفت و گاز سرزمین‌های اسلامی وابسته است. تجارت جهانی بدون عبور امن از گذرگاه‌های آبی این منطقه دوام نمی‌آورد. اکنون که امت قدرت واقعی خود را لمس کرده است، آیا باید این ثروت‌ها و این حاکمیت را به نام «توافق صلح» به آمریکا و غرب واگذار کند؟

ای مسلمانان پاکستان! فریب نخورید. حاکمان شما برای صلح کار نمی‌کنند. آنان مجریان طرح امریکا برای بازسازی خاورمیانه‌اند. این حاکمان حتی یک گلوله برای توقف کشتارهای غزه شلیک نکردند، بلکه توان نظامی خود را برای حفاظت از عرش آل سعود و پایگاه‌های امریکا در منطقه عرضه کردند. آنان به شورای «صلح» ترامپ پیوستند و او را درباره استقرار نیروها در غزه مطمئن ساختند.

امروز نیز با ترامپ همکاری می‌کنند تا ایران را برای تمکین به طرح «خاورمیانه جدید» تحت فشار قرار دهند. همان‌گونه که پیش‌تر نیز چنین کردند. آنان این خدمات خود به امریکا را «تلاش‌های صلح» می‌نامند تا جنایات‌شان را پنهان کنند و از خشم شما در امان بمانند.

ای نیروهای مسلح پاکستان! چرا رهبری شما به جای فروپاشاندن ساختار سلطه امریکا در منطقه، در تقویت آن نقش ایفا می‌کند؟ چرا دشمنانی که در سراسر جهان مسلمانان را می‌کشند، از حکام شما تمجید می‌کنند؟ آیا روشن نیست که امریکا می‌خواهد هر نیرویی را که بتواند نظام آن را به چالش بکشد، نابود سازد؟

پس آینده پاکستان، ترکیه و سایر قدرت‌های اسلامی چه خواهد بود، اگر نفوذ امریکا در منطقه تقویت گردد؟ آیا نیروهای پاکستان سزاوار چنین رهبری هستند؟

اگر برخی فرماندهان نظامی در ایران توانسته‌اند تأسیسات امریکایی را هدف قرار دهند، پیشرفته‌ترین تجهیزات نظامی را سرنگون سازند، «رژیم یهود» را به عقب‌نشینی وادارند، ناوگان‌های امریکایی را مجبور به عقب‌نشینی کنند و سامانه‌های دفاع موشکی امریکا را منهدم سازند، پس نیروهای هسته‌ای پاکستان—که به پیشرفته‌ترین موشک‌ها و کشتی‌ها مجهز اند—چه توانایی‌هایی خواهند داشت؟

اما این توان هرگز فعال نخواهد شد، مگر آن‌که شما به حزب التحریر نصرت دهید تا خلافت برپا گردد. الله سبحانه و تعالی شما را به مأموریتی بزرگ مکلف ساخته است: اقامه اسلام در این سرزمین، نه دفاع از مرزهای تنگی که استعمار بریتانیا ترسیم کرده است.

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ [الصف: 9]

ترجمه: او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان اظهار و پیروز گرداند، هرچند مشرکان ناخوش داشته باشند.

ای سربازان در ارتش محمد بن قاسم! فرصت در برابر شماست، خلافت را برپا کنید، خاورمیانه را زیر یک رهبری واحد متحد سازید، امریکا را از سرزمین‌های اسلامی بیرون کنید. وعده الله سبحانه و تعالی حق است، جهان در آستانه تحولی بزرگ قرار دارد. با نیروی ایمان خود، از انصار رضی الله عنهم در مدینه پیروی کنید و نور اسلام را از طریق نظام حکومتی آن، بار دیگر به جهان بتابانید.

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر – ولایة پاکستان

شماره صدور: 32 / 1447

2 ذوالقعدة سال 1447 ه.ق.

19 اپریل سال 2026 م.

مترجم: محمد مزمل